

سوسید واقعی، سوسید من در آوردی

از: دکتر انور خامه‌ای

مدتی است مسئله سوسید و حذف یا ادامه آن در محافل دولت و مجلس مطرح است. عده‌ای از مقامات دولتی و بعضی از وزراء طرفدار حذف قطعی و یکباره یا کنار گذاردن تدریجی آن‌اند. ولی در مقابل جمعی از نمایندگان مجلس با آن موافق نیستند. این بحث هم در هنگام طرح و تصویب بودجه سال جاری و هم ضمن شور درباره برنامه پنج ساله دوم مطرح شد و ظاهراً هنوز (تا زمان نگارش این سطور) نظر قطعی و سیاست کلی در این باره اتخاذ نشده است. گرچه وزرای نیرو، نفت و مخابرات هوادار حذف قطعی یا تدریجی سوسیداند، لیکن بعضی دیگر از وزرا و اکثریت نمایندگان مجلس

سوسید این است که در اثر پرداخت این سوسیدها بهای کالاها و خدمات اساسی، مانند سوخت، نیروی برق، آب، نان، شکر، روغن و غیره به قدری پائین است که مردم قدر آنها را نمی‌دانند و در مصرف آن زیاده روی می‌کنند. در نتیجه مصرف این کالاها و خدمات در کشور ما به گونه‌ای بی‌تناسب افزایش یافته است و خواهد یافت. این امر موجب تنگناهایی برای اقتصاد کشور خواهد شد مانند نیاز به سرمایه‌گذاریهای روزافزون و تحمل ناپذیر در این بخشها و احتمالاً امداد شدن کشور و غیره. از سوی دیگر این گونه پرداخت سوسید که به صورت بهای نازل کالاها و خدمات اساسی عرضه می‌شود به زبان طبقات محروم و مخالف عدالت اجتماعی است، چون

کند. تفاوت بهای فروش با بهای تمام شده را سوسید می‌نامند. مثلاً فرض کنید مخارج استخراج و حمل و نقل یک بشکه نفت خام تا محل تحویل به خریدار برای شرکت ملی نفت ۵ دلار تمام شده باشد، اگر آن را به ۴ دلار بفروشد، یک دلار به خریدار سوسید داده است. اما مفهومی که بعضی مقامات رسمی ما از سوسید دارند این گونه نیست. آنها بهای فروش کالا یا عرضه خدمات را با قیمت تمام شده آنها مقایسه نمی‌کنند بلکه آن را با قیمت آن در بازار آزاد می‌سنجند. مثلاً در مثال بالا به جای اینکه ۴ دلار قیمت فرضی فروش را از ۵ دلار قیمت تمام شده کم کنند، آن را از ۱۵ دلار قیمت یک بشکه نفت خام در بازار بین‌المللی کم می‌کنند و ۱۱ دلار به حساب

مالکیت منابع و معادن نفت است. خریدار خارجی باید ارزش نفتی را که از ذخایر طبیعی ما کم می‌شود بپردازد، اما از مصرف‌کننده ایرانی نباید این سهم را گرفت چون این منابع جزو اطفال و متعلق به تمام ملت ایران است. همچنین خریدار خارجی باید کاری را که برای تولید فرآورده صرف شده است به نرخ بین‌المللی آن یعنی مزد کارگر آمریکایی و انگلیسی بپردازد، در حالی که برای مصرف‌کننده ایرانی نباید بیش از مزد کارگر ایرانی حساب کرد. ثالثاً در مورد مصرف‌کننده داخلی باید امکانات او، منجمه سطح درآمدش را در نظر گرفت، در صورتی که در تعیین بهای بین‌المللی فرآورده اصلاً این مسئله مطرح نیست. به هر حال این روش بعضی از مسئولان کشور که می‌گویند این فرآورده‌ها را اگر در بازار خارجی بفروشیم فلان قدر دلار عاید ما می‌شود بنابراین چرا باید این اندازه سوسید به مصرف‌کننده داخلی بدهیم، منطقی و عادلانه نیست.

یک نظریه دیگر

اما ممکن است همین مسئولان بگویند که بهای کنونی فرآورده‌های نفتی به قدری پایین است که حتی با احتساب قیمت تمام شده نیز مقداری سوسید به مصرف‌کننده داده می‌شود. به نظر آنها بهای این فرآورده‌ها دست کم باید به اندازه‌ای افزایش یابد که از قیمت تمام شده کمتر نباشد. مطابق این نظر، دادن سوسید به مصرف‌کننده اصولاً یک حالت استثنائی و اضطراری است، و موقتی است. برای سلامتی اقتصاد باید در جهتی حرکت کرد که سوسید از میان برود. بهای کالاها و خدمات اساسی تعدیل شود و به حدی برسد که مردم به ارزش آنها پی‌ببرند و در مصرف آنها صرفه‌جویی کنند.

این حرف تا حدودی درست است. برای حفظ سلامتی و تعادل اقتصاد باید کوشید سوسید به معنای واقعی و علمی آن کم‌کم از میان برود و بهای کالاها و خدمات براساس قیمت تمام شده آنها تعیین شود. و برای این کار اگر لازم است

اقتصادی



دست کم با حذف یکباره و ناگهانی آن مخالفتند. در این گفتار می‌کوشیم دلایل موافقان و مخالفان حذف سوسید را بررسی کنیم و ببینیم نتایج آن به کجا خواهد رسید.

اخیراً آقای وزیر نفت در میزگرد ماهانه جامعه اسلامی مهندسین خواستار حذف پرداخت سوسید برای فرآورده‌های نفتی شد و گفت سالی ۲۰ هزار میلیارد ریال که معادل نصف بودجه کل کشور است صرف پرداخت این سوسیدها می‌شود و بار سنگینی بر دوش دولت است. یک نماینده مجلس در همان جلسه سوسید سالانه فرآورده‌های نفتی را معادل ۱۰ میلیارد دلار دانست و مدعی بود که اگر این مبلغ به جای پرداخت به صورت سوسید صرف سرمایه‌گذاری در کشور گردد رشد و توسعه اقتصادی کشور بحدی خواهد رسید که نیاز به پرداخت سوسید از میان خواهد رفت.

استدلال اصلی هواداران حذف

افراد مرفه از آن سوءاستفاده می‌کنند (مثلاً آب استخراج خود را با نیروی برق گرم می‌کنند) ولی هزینه آن را دولت یعنی همه مردم می‌پردازند.

اما مخالفان حذف سوسید بیشتر روی این نکته تکیه می‌کنند که با حذف آن بهای کالاها و خدمات اساسی به شدت افزایش خواهد یافت و فشار تورم که هم اکنون کم‌تر طبقات محروم یعنی اکثریت مردم را خیم کرده است به گونه مرگباری افزون خواهد گشت، و دود آن به چشم همه خواهد رفت.

پیش از آنکه به بررسی این دلایل و سنجش آنها بپردازیم لازم است تذکر دهیم که در غالب موارد مفهومی که مقامات رسمی ما از کلمه «سوسید» استنباط می‌کنند با مفهوم اقتصادی کلاسیک آن تفاوت فاحش دارد. مفهوم سوسید در کتابهای درسی و علمی اقتصاد این است که دولت یا مؤسسه‌ای کالا یا خدماتی را زیر قیمتی که برای خودش تمام شده است بفروشد یا عرضه

سوسید می‌نویسند. بدین گونه است که ارقام وحشتناکی مانند ۲۰ هزار میلیون ریال یا ۱۰ میلیارد دلار و غیره به دست می‌آید!

این طرز محاسبه «سوسید» آن هم برای مصرف فرآورده‌های نفتی در داخل کشور به هیچ وجه منطقی نیست. زیرا اولاً قیمت بین‌المللی فرآورده‌های نفتی متناظر با درآمد مصرف‌کنندگان بین‌المللی آنهاست نه درآمد مصرف‌کننده ایرانی. به دیگر سخن، اگر مصرف‌کننده آمریکایی یا انگلیسی، یا آلمانی یک لیتر بنزین را مثلاً ۱/۵ دلار می‌خرد، در مقابل ساعتی ۵ دلار هم مزد می‌گیرد. در حالی که کارگر ایرانی روزی ۵ دلار هم درآمد ندارد. بنابراین محاسبه بهای بین‌المللی فرآورده‌های نفتی به پای او به هیچ روی منطقی و عادلانه نیست. ثانیاً در تعیین بهای بین‌المللی فرآورده‌های نفتی عوامل متعددی را به حساب باید آورد که در مورد مصرف‌کننده ایرانی نباید حساب کرد. مهمترین عامل

صرفه‌جویی کرد و تدابیر شایسته‌ای به کاربرد تا از سوء استفاده مصرف‌کنندگان بی‌بند و بار جلوگیری شود. اما از سوی دیگر این صرفه‌جوییها و جلوگیری از بی‌بند و باری نباید تنها متوجه مصرف‌کنندگان باشد. پیش از آن که بهای فروش و عرضه کالا و خدمات را افزایش دهیم باید مراقبت شود در قیمت تمام شده آنها و لخرجی و بی‌بند و باری و اتلاف صورت نگرفته باشد و این قیمتها واقعاً اقتصادی و با صرفه‌جویی کامل در کار و صرف مواد، معنی شده باشند. متأسفانه در حال حاضر اعتماد چندانی به این وضع نیست. کارکنان وزارت‌های نفت، نیرو و بعضی مؤسسات دیگر درآمد‌هایی چند برابر کارمندان ادارات دیگر دارند و اطمینان چندانی نیست که بازده کار آنها به همان نسبت بیش از دیگران باشد. ریخت و پاشهای دیگری هم مانند خرید ماشینهای لوکس و خرجهای زائد دیگر در این مؤسسات می‌شود. این مخارج لوکس و زائد باید از میان برود. کارآئی نیروهای انسانی این وزارتخانه‌ها باید متناسب با حقوقها و درآمد آنها شود. اخیراً آقای وزیر نیرو در مصاحبه‌ای با روزنامه اطلاعات بر خود بالیده بود که در سازمانهای برق و آب ۱۵ هزار افراد با تحصیلات دانشگاهی دارند که ۱۵ درصد کل کارکنان این سازمانها را تشکیل می‌دهند. بدین سان ۱۰۰ هزار نفر در این سازمانها کار می‌کنند که رقم ناچیزی نیست. متأسفانه خاموشیهای

برق و قطع آب همچنان ادامه دارد و مردم رضایت چندانی از این دو سازمان که بودجه کلانی صرف آنها می‌شود ندارند. اگر این صرفه‌جوییها و مراقبتها در این سازمانها و مؤسسات دولتی انجام گیرد و توزیع و قیمت‌گذاری کالاها نیز تحت کنترل درآید و منظم‌تر شود، آنگاه می‌توان مسأله حذف تدریجی سوسید را مطرح کرد.

تورم تشدید خواهد شد

اما در شرایط کنونی حتی حذف تدریجی سوسیدها یا به عبارت دیگر افزایش بهای فرآورده‌های نفتی یا خدمات نیروورسانی نه تنها موجب سلامتی و تعادل اقتصادی نخواهد شد بلکه زیانهای جبران‌ناپذیری برای کشور خواهد داشت. یکی از اثرهای مسلم آن افزایش و تشدید تورم است. مصرف‌کنندگان این کالاها و خدمات را به دو دسته می‌توان تقسیم کرد: یک دسته مصرف‌کنندگان خصوصی‌اند یعنی این کالاها و خدمات را برای رفع نیازهای خصوصی خود مصرف می‌کنند. مانند خانه‌داری که از گاز مایع یا گاز طبیعی یا نفت سفید برای پختن غذا یا گرم کردن خانه یا روشنایی استفاده می‌کند. افزایش بهای این کالاها برای این اشخاص در حد مصرف آنها مخارجشان را بالا می‌برد و نوعی تورم عمومی ایجاد می‌کند، چون تورم عام چیزی جز پائین آوردن قدرت خرید مردم و به عبارت

دیگر کاهش ارزش پول نیست. اما در این بخش تورم به همین حد یعنی به همین اندازه افزایش بهای فرآورده‌های مزبور محدود می‌ماند. لیکن در مورد دسته دوم مصرف‌کنندگان اثر افزایش بها به مراتب شدیدتر و زیانبخش‌تر است. این دسته فرآورده‌های مزبور را به عنوان عامل تولید کالا یا خدمات یا وسیله کسب به کار می‌برند. در این حالت افزایش بهای مزبور موجب تورم مضاعف می‌شود که زیان آن به مراتب بیش از تورم عام است. مثلاً اگر بهای بنزین دو برابر شود، برای کسی که ماشین شخصی دارد و به عنوان وسیله حمل و نقل شخصی از آن استفاده می‌کند اثر توری آن فقط در حدود مصرف خصوصی اوست. اما برای راننده یک تاکسی افزون بر آنچه خود او به عنوان تورم احساس می‌کند، موجب افزایش کرایه تاکسی نیز می‌گردد و اثر توری آن به مسافران و از طریق آنها به دیگران منتقل می‌گردد. به همین سان افزایش بهای بنزین موجب افزایش کرایه اتوبوسها و وسایل نقلیه دیگر می‌شود و در بهای تمام کالاها دیگر تأثیر می‌گذارد.

تأثیر بر تولید

تأثیر افزایش بهای فرآورده‌های نفتی در کارخانه‌ها و مؤسسات تولیدی از این هم وخیمتر و زیانبخشتر است. این مؤسسات افزایش بهای مواد مصرفی

فوق را به بهای محصولات خود منتقل می‌کنند و بهای این محصولات بالا می‌رود. طیف گسترده این محصولات بر دو گونه‌اند. یا کشش آنها در برابر افزایش بها زیاد است، یعنی کالاهایی هستند که مورد نیاز مبرم مصرف‌کنندگان اند و به سختی می‌توان از آنها چشم پوشید یا محصول مشابهی را جایگزین آن ساخت، در این حالت ما شاهد تورم مضاعف هستیم. اما اگر کشش این محصولات زیاد نباشد، افزایش قیمت آنها موجب کاهش فروش آنها و زیان و ورشکستگی کارخانه می‌شود و به یکاری عده‌ای از کارگران و کارمندان منتهی می‌گردد.

کسانی که می‌پندارند افزایش تصاعدی بهای کالاها و خدمات اساسی به سود قشرهای محروم و کم درآمد و موجب عدالت اجتماعی است، در اشتباهاند چون پدیده انتقال تورم را در نظر نمی‌گیرند. مثلاً کسی که آب استخر خود را با برق گرم می‌کند یا صاحب کارخانه بزرگی است، یا مالک مستغلات متعددی است، به هر حال از یک محلی درآمد هنگفت دارد. اگر بهای برق مصرفی او را ده برابر کنید بر همان محل تحمیل می‌کند، مثلاً بر بهای محصول کارخانه‌اش خواهد افزود یا بر کرایه مستغلات اضافه خواهد کرد. این متأسرها نیز به نوبه خود به قشرهای محرومتر منتقل خواهند کرد و سرانجام فشار اصلی تورم بر دوش محرومترین قشرهای مردم تحمیل خواهد شد.

اینجانب: به نشانی: شغل:

کد پستی: تلفن:

درخواست اشتراک ماهنامه گزارش را به مدت یک سال دارم.

فتوکی فیش بانکی ضمیمه همین درخواست است، ضمناً کد اشتراک قبلی شماره بوده است.

توضیحات:

۱- ماهنامه گزارش برای دانشجویان ۳۰٪ و برای دانشگاهیان و فرهنگیان ۲۰٪ تخفیف قائل می‌شود. استفاده از این تخفیف منوط به ارائه مدرک معتبر (فتوکی کارت دانشجویی و کارمندی یا معرفی‌نامه از سازمان مربوطه است).

۲- لطفاً وجه اشتراک به حساب جاری ۸۵/۸۰۳۰ بانک سپه - شعبه دانشگاه (میدان انقلاب) تهران واریز و فتوکی آن همراه درخواست اشتراک بوسیله صندوق پستی ۵۴۶۷-۱۴۱۵۵ به دفتر مجله ارسال شود.

۳- علاقمندان به اشتراک خارج از کشور می‌توانند مبلغ اشتراک را به حساب پس‌انداز فرضی الحسته شماره ۵۲/۷۰۷۰۱۱۰ بانک صادرات شعبه صنعتی کد ۱۴۸۰ تهران - ایران واریز و فیش آنرا به آدرس مجله ارسال نمایند.

حق اشتراک یکساله	محل سکونت مشترک
۱۱۰۰۰ ریال	داخل کشور
۵۲۶ دلار آمریکا	کشورهای آسیایی
۳۵ دلار آمریکا	سایر کشورها